بررسی بنیان‌های دیدگاه فلسفی تربیت عقلانی کانت و استلزامات عملکردی آن

الهام صمدی[۱]، حسنعلی بختیار نصرآبادی*[۲]، زهره سعادتمند[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۶

چکیده

هدف پژوهش بررسی بنیان های دیدگاه فلسفی تربیت عقلانی کانت و استلزامات عملکردی آن در زمینه‌ی اهداف، اصول و روش های تعلیم و تربیت بود. روش پژوهش حاضر کیفی و از نوع تحلیل محتوا بود. مراحل تحلیل این گونه بود که هستی، معرفت، ارزش و انسان شناسی را تعریف کرده و کاررا با استفاده ازنظریه داده بنیاد تربیتی کانت آغاز کرده بود و پس از پیدا کردن ارتباط مقولات با یکدیگر به بسط مدل عقلانی دست زد. تعیین جامعه مورد مطالعه و نحوه نمونه گیری، که نمونه گیری هدفمند و منابع معتبر که مرتبط با موضوع تربیت عقلانی بودند ما را برای رسیدن به استلزامات تربیتی یاری رسان بودند. ابزار گردآوری اطلاعات براساس نوع سند و هدف ازاسناد چاپی معتبر و فیش استفاده شد. به منظور تحلیل داده های پژوهش روش تحلیل محتوا با استفاده از نظام مقوله بندی قیاسی بود. درنظام مقوله بندی قیاسی دیدگاه های فلسفی- تربیتی مستخرج شد و ارتباط آنها با عقل همراه با تحلیل استفاده شدند. نتایج پژوهش نشان داد که هدف غایی تربیت کانت برای رسیدن به اخلاق و خودسازی و خود آگاهی قانون مدار بود که با پشتوانه مؤلفه بنیادین عقل صورت گرفته بود درمجموع می‌توان نتیجه گرفت که قضایای پیشین عقلی در نظام تربیتی کانت نقش بسزایی دارد که در نهایت به مدل پیشنهادی برای تربیت عقلانی و استلزامات عملکردی آن پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: مبانی فلسفی، مبانی تربیت، عقلانیت کانت، استلزامات تربیتی.

* این مقاله مستخرج از رساله نویسنده اول مقاله است.

۱. دانشجوی دکترای گروه علوم تربیتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. elham.samadi@khuisf.ac.ir
۲. استاد گروه علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
*(نویسنده مسئول) h.nasrabadi89@gmail.com
۳. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران. saadatmand@khuisf.ac.ir

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مقدمه

کانت تعلیم و تربیت را ویژه‌ی حیوانات صاحب شعور می‌داند و از آنجا که انسان به لحاظ داشتن عقل و وجدان در مرتبه‌ی بالاتر نسبت به دیگر حیوانات قرار دارد، بنابراین موجودی است که می‌تواند مورد تعلیم قرار گیرد، دانش‌های مختلف را بیاموزد و آن‌ها را به دیگران تعلیم دهد و نیز می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم تحت تربیت قرار گیرد (یاسپرس[1]، ۱۳۹۰) از نظر کانت انسان موجودی است که دارای استعدادها و توانمندی‌هایی است که امکان رشد آن‌ها کاملاً فراهم است. ازاین‌رو تربیت در بستر چنین زمینه‌ای نقش اصلاح یا حتی ایجاد و تغییر را ایفا می‌کند.

کانت در انسان‌شناسی سعی در تبیین طبیعت انسان از نگاهی پراگماتیک – نه ذات گرایانه دارد. کانت طبیعت انسان را به وجوه اجتماعی آن مانند تمدن، جامعه‌پذیری، تربیت و جز آن گره می‌زند و تلاش می‌کند تبیین جامعی از ابعاد فردی و جمعی انسان ارائه کند. به این ترتیب در تعریف انسان‌شناسی از دیدگاه کانت می‌توان گفت: انسان‌شناسی دانشی تجربی، جهانی و فلسفه‌ای عملی است که با رویکردی پراگماتیسمی و غایت‌شناسانه به وسیله‌ی خرد حزم‌اندیش و روش مشاهده درصدد شناخت طبیعت انسان و تعلیم و تربیت انسان‌هایی است که تنها به حساب آیند (روحانی راوری و طالب‌زاده، ۱۳۹۰).

عناصر معرفت در انسان‌شناسی کانت از طریق سه ابزار حس[2]، فاهمه[3] و عقل[4] باعث شناخت پیشینی معرفت ما را فراهم می‌آورد. بخشی از عقل که فاهمه نام دارد منطق استعلایی کانت را شامل می‌شود. کار عقل منطق استعلایی است (کانت، ۱۳۹۰: ۱۴۵). از دیدگاه کانت، همه‌ی معرفت ما با حواس آغاز می‌شود ازآنجا به فاهمه می‌رود و به عقل منتهی می‌شود، فوق عقل در ما قوه‌ای وجود ندارد تا ماده شهود را توضیح دهد (کانت، ۱۹۹۳: ۲۹۹). در دستگاه شناختی ما اندوخته‌های پیشین فاهمه شکل می‌گیرد که به تربیت عقلانی کمک‌رسان است این اندوخته‌های پیشین فاهمه از طریق سه نوع گزاره در ادراک ما شکل می‌گیرد؛ ۱- قضایای گزاره‌های تحلیلی: مفهوم محمول در موضوع مندرج است و نیازی به رجوع به جهان خارج نیست، صدق سماتیکی[5] دارد مانند همهٔ مجردها بی‌همسر هستند. ۲- قضایای ترکیبی: قضایایی که مفهوم محمول در موضوع مندرج نیست که صادق است یا کاذب و پسینی است باید رجوع شود به جهان خارج ویژگی قضایای

1. Jaspers
2. Sense
3. Understanding
4. Reason

۵- سماتیک: معناشناسی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

اول ضروری و نفی آن به تناقض نمی‌انجامد ولی دومی غیرضروری هستند و محدوده آن‌ها مشخص است. قضایای دیگری هم هستند که اکثر علوم را شامل می‌شود ۳- ترکیبی پیشینی است: این قضایا را به نحو پسینی نمی‌توان پاسخ داد پس از دیدگاه کانت همهٔ قضایای علوم از این سنخ هستند (کانت، ۱۳۹۰، ۵۰ آ- ۷۴ ب: ۱۴۵-۱۳۵). اندوخته‌های پیشین عقل ارتباط رو بتزاید بی‌پایان با تفسیر، حذف و اضافه، مشابه‌سازی، پیش‌فرض‌ها و اندوخته‌های پیشین دارد.

انسان موردنظر کانت کیست؟ کانت انسان را در حیطهٔ تجربه و مشاهده عینی و درنتیجه ساخت اندوخته‌های پیشین تبیین می‌کند و از تفکر نظری صرف دربارهٔ آن فاصله می‌گیرد. کتاب انسان‌شناسی او به معرفی منشأ علومی که به‌نوعی بااخلاق، توانایی، معاشرت و روابط اجتماعی، شیوه دستگاه شناختی و تصمیمات انسانی و تربیت و هر خصیصه‌ای که عملی است به‌طور مرتبط می‌پردازد (کانت، ۱۹۵۷: xiv-۸۶ – ۱۶۱-۱۰۴).

عقل یکی از مباحث معرفت‌شناسی در فلسفه‌ی کانت است و کتاب نقد عقل محض در واقع پژوهشی است درباره‌ی توانایی ذاتی عقل برای گسترش عینیات درونی موجود یعنی به نحوی ناب و مستقل از احساس و تجربه است. از این حیث کانت درصدد توجیه و تبیین جدیدی از چگونگی شناخت و معرفت آدمی است کانت در نظریه‌ی انقلاب کپرنیکی طرح می‌نماید که اگر تعلقات عینی با ذهن ما مطابقت داشته باشند، این شناخت پیشینی به اشیاء مطابق‌تر است. بر این اساس ذهن دارای فعالیتی خاص می‌شود و نوع معرفتی را که به دست می‌آورد خودش مشخص می‌نماید (باباپور و شاه نظری، ۱۳۹۸). کانت با تأسیس یک نظام جامع فلسفی توانسته است در حوزه‌هایی گوناگون اندیشه به‌طور اخص تربیت عقلانی و به‌طور اعم تعلیم و تربیت تأثیری عمیق به جای گذارد؛ زیرا با پرورش قوه عقلانی موجبات رشد ساحت‌های دیگر تربیت فراهم می‌گردد و مورد توجه جدی قرار گرفته است و معقولیت انسان را در توانایی به‌کارگیری عقل او می‌داند و برای کسب این توانایی از تعلیم و تربیت غافل نشده است و در این زمینه به اندیشه‌گری و نقادی پرداخته است. از سویی برای بیان دلالت‌های تربیتی خود از حوزهٔ عقل نظری و عقل عملی یاری می‌جوید. در فلسفه‌ی کانت مؤلفه‌هایی برای عقلانی کردن وجود دارد (استیکر[1]، ۲۰۲۱) . مقولات را کانت با شبه‌معقولات بیان می‌کند به‌طور خلاصه نظریه‌ی کانت در مورد معرفت این‌گونه است که به عقیده‌ی وی ذهن انسان جهان خارجی را منعکس ساخته است و خود در تشکیل شناسایی سهم عمده‌ای دارد. درواقع خود انسان است که داده‌های خارجی را صورت و سازمان می‌دهد. این سازمان‌بخشی چنانکه کانت

1. Sticker

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

شرح داده فقط جنبه‌ی ایستا ندارد و ذهن تنها به جمع‌آوری و کنار هم نهادن داده‌ها اکتفا نمی‌کند بلکه به نحو خلاق به ترکیب و تألیف آن‌ها می‌پردازد. پرسش‌هایی که ذهن را به خود مشغول داشته است درباره‌ی چه چیز را می‌توان دانست؟ چه باید کرد؟ چه امید و انتظاری می‌توان داشت؟ انسان چیست؟ و دریک کلام او خواستار این است که تا هم مسئله‌ی شناسایی و علم و هم اخلاق و اثبات وجود خدا و اختیار و نفس را یکجا و در یک نظام فلسفی حل کند. در کتاب نقد عقل محض یا سنجش خرد ناب او باید گفت که آن قواعد ذهنی پیشینی بررسی شده است (کانت، ۱۳۹۴: ۲۴۴). کانت منطق استعلایی[1] خود را به دو بخش تحلیل و دیالکتیک استعلایی[2] تقسیم کرده است. فاهمه در واقع قوه‌ی شناخت از طریق مفاهیم است که این عمل همان حکم کردن است و ذهنیات را به هم مربوط می‌کند (کانت، ۱۴۰۰) و از طریق این مبدأ شناخت می‌توان به فرا شناخت رسید.

به این اندیشمند گران‌قدر کتب متعددی نسبت داده شده است که عمده‌ترین آن‌ها درزمینه‌ی فلسفی – تربیتی عبارت‌اند از: نقد عقل محض، نقد عقل عملی یا سنجش خرد ناب، رساله کشف، فلسفه فضیلت، رشد عقل، بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق، درس‌های فلسفه اخلاق، نزاع دانشکده‌ها، دین در محدوده عقل تنها، بنیان‌گذاری برای مابعدالطبیعه اخلاق، انسان‌شناسی از دیدگاه عملی، تعلیم و تربیت اندیشه‌هایی درباره آموزش‌وپرورش، تمهیدات مقدمه‌ای برای هر مابعدالطبیعه آینده که به‌عنوان یک علم عرضه می‌شود. در کتاب فلسفه تربیتی کانت؛ می‌توان ملاحظه کرد که منزلت کانت در تاریخ فلسفهٔ جدید نظیر افلاطون و ارسطو در فلسفهٔ یونان است این فیلسوف بزرگ را نمی‌توان مربی دانست ولی آراء تربیتی که دارد متوجه خواسته های ذاتی انسان است نیازهایی مانند شکوفایی استعدادهایی که طبیعت یا اراده الهی درآدمی قرار داده است. در اندیشه‌ی کانت مسیر حرکتی عقل با توجه به رشد آدمی در راه خواسته های طبیعت بوده است. خواسته‌ی اصلی طبیعت عقلانیت و اخلاق در رسیدن به رویکردهای فردی و سپس اجتماعی است. درآن افراد ذات خود را به شکل شرکت کردن در فعالیت‌هایی مانند؛ تعلیم و تربیت شکوفا می کنند درنظر او تعلیم و تربیت تکیه بر ارزش‌ها و بایدها دارد و چگونه بودن

1. Transcendntal

۲. استعلایی به معنی چیزی گفته می شود که مستقل ازهرگونه تجربه بوده و شرط امکان تجربه محسوب می شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

را به ما می نمایاند. کتاب‌های وی، خواننده را گام‌به‌گام به سپهر فلسفی عقلانی کانت نزدیک می‌کند و سپس او را به وادی اندیشه‌های تربیتی کانت می‌کشاند و دربارۀ انواع تربیت جسمانی[1]، ذهنی[2]، اخلاقی[3] و عملی[4] بحث می‌کند (ماهروزاده، ۱۳۹۴).

با توجه به پژوهش‌های انجام شده می‌توان متوجه شد که متناسب با دیدگاه‌های گوناگون مفاهیم تربیتی از جنبه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است و تأثیرات فلسفی- تربیتی آن‌ها را می‌توان مشاهده کرد در پژوهش‌هایی مانند؛ ماهینی و دیگران (۱۳۹۵) دلالت‌های تربیت اخلاقی معناشناسی[5] (باید) از منظر کانت و متکلمان عدلیه بیان شده است که مفهوم باید در تربیت اخلاقی از دیدگاه کانت از سه جنبه‌ی هستی‌شناسی[6]، معرفت شناسی[7]، معناشناسی مورد مطالعه قرار داده شده است. توکل و مدبر(۱۴۰۱) در پژوهش خود نشان دادند که عمل اخلاقی منشأ و خاستگاه آن چیست ؟ کانت قانون اخلاقی خویش را برمبنای عقل عملی بنا می‌نهد و به پس زدن ایمان دینی می‌پردازد و یا در پژوهش عزیز وکیلی و منفرد (۱۴۰۱) در پژوهش خود سعی کرده‌اند با بررسی شبکه‌ی معنایی هر متفکر وجوه اشتراک و افتراق اندیشه‌ی آنان را بیابند. در مورد کانت آمده است با جداسازی عقل عملی از عقل نظری آن را توانمند درتشخیص اخلاق و عمل به اخلاق ارزیابی می‌کند و برای این‌که عقل در تشخیص اخلاق دچار اشتباه نشود معیارهایی معرفی می‌کند که براساس آن امکان تشخیص رفتار اخلاقی از رفتار غیراخلاقی ممکن می‌شود و سپس به مقایسه با نظریه‌های صدرایی می‌پردازد.

سعیدی (۱۳۹۸) شاخص و معیار عقلانیت در اندیشه کانت است و عقلی که در این پژوهش بررسی شده‌ی عقل عملی[8] است که متعلق به حوزه‌ی اخلاق و آزادی است. اخلاق از نظر کانت امری کاملاً عقلانی است؛ منشأ آن عقل و مقصدش هم عقل است بدین معنا که عقل عملی به ضرورت اخلاق رأی می‌دهد و غایت اخلاق را ارتقای عقل معرفی می‌کند. عقل عملی از نظر کانت، ذاتاً خود آیین[9] یا مستقل است و از این توان برخوردار است که قوانین اخلاقی را تشخیص دهد. ماهروزاده (۱۳۹۲) فلسفه‌ی تربیتی کانت و مبانی آن را بیان کرده و کانت را در آراء تربیتی خود و تربیت جسمانی از تربیت اخلاقی جدا کرده است. البته این جدایی دال بر این نیست که تربیت جسم را مستقل از تربیت روح می‌داند بلکه می‌توان گفت

1. Physical eaducation
2. Mental
3. Moral
4. Practical
5. Semantics
6. Ontology
7. Epistemology
8. Practical reason
9. Self-ritual

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

پیوند میان روح و جسم مورد غفلت قرار داده است. به‌طورکلی نظام تربیتی وی بر اساس تربیت اخلاقی است. غفاری (۱۳۹۲) بررسی انتقادی تطبیقی فلسفه نظری کانت را طرح کرده است، در این پژوهش بر روی سه مورد اساسی کار شده است؛ ۱- اصالت بحث‌های فلسفی ۲- کانت و مابعدالطبیعه ۳- ارائه جزئیات فلسفه کانت است و درنتیجه، جایی برای عقیم ماندن بحث نمی‌ماند. استیکر و باترست[1] (۲۰۲۱) کانت را یکی از تأثیرگذارترین چهره‌ها در تاریخ فلسفه معرفی می‌کند و در زمان خود یکی از نظریه‌پردازان مهم تعلیم و تربیت بوده است که گاهی اوقات توسط تعلیم و تربیت معاصر به او توجه می‌شود و در مقابل سردرگمی‌های دوره‌ی روشنگری تئوری آموزش متقاعدکننده و عملکرد آموزشی ارائه می‌دهد. توجه به این که در اکثر پژوهش‌های انجام شده فلسفه نظری کانت با توجه به یک مؤلفه مانند تربیت اخلاقی یا هستی‌شناسی یا معناشناسی و یا معرفت‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته است و محوریت تربیت عقلانی کانت که مرکز تمام آثار اوست با توجه به بنیادهایی مانند انسان[2]، هستی، ارزش[3]، معرفت‌شناسی موردتوجه قرار نگرفته است و چهارچوب بنیادین با توجه به این مؤلفه‌ها بر اساس مبانی تربیتی وی ارائه نشده است. در اینجا محقق کوشیده است با نظر به واقع‌نگری در نگرش کانت تصویری روشن و قابل درک از پرتو اندیشه‌های بنیادین خردگرایی وی و توجه به این که دانش تعلیم و تربیت در زمره دانش‌های هنجاری، تجویزی و عملی است از منظر اهداف، اصول و روش به یافتن دلالت‌های تربیتی پرداخته شود.

روش پژوهش

روش کوششی نظا مند جهت دست‌یابی به هدف پژوهش است. روش در پژوهش به معنای دقیق در پیش گرفتن راهی و یا معین کردن گام‌هایی است که برای رسیدن به هدف باید با نظمی خاص برداشت. درپژوهش‌های کیفی از روش‌هایی استفاده می‌شود که برای درک نگرش‌ها، باورها، تجربیات، رفتار و تعامل افراد استفاده می‌شود که ارزشمند است بنابراین تصمیم‌گیری پیرامون انتخاب یک روش پژوهشی (کمی یا کیفی) مبتنی برتناسب روش انتخابی با موضوع مورد پژوهش، هدف و پرسش‌های پژوهش است (فلیک، ۱۳۹۳). از آن جایی که در این پژوهش از دیدگاه فلسفی عقلانی کانت که انسانی و درون‌گرایانه است برای رسیدن به الزامات عملکردی؛ اهداف، اصول و روش استفاده می شود ما را برای رسیدن به مدل پیشنهادی رهنمون می‌شود.

1. Martin sticker & David Bakhurst
2. Human
3. Value

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

بنابراین ضرورت دارد دراین پژوهش کیفی از روش تحلیل محتوا استفاده شود که با یکسری رویکردها سروکاردارد که این رویکردها برای یافتن مفاهیم و رسیدن به کشف قوانین علمی کمک می‌کند. مزایای روش تحلیل محتوای کیفی این است که بر اساس مبانی فلسفی معینی مانند هستی، انسان، معرفت و ارزش شناسی بتواند پاسخ‌هایی برای مسائل، مطرح کند (قاسمیان صاحبی و همکاران، ۱۴۰۱). تعیین جامعه‌ی مورد مطالعه و نحوه‌ی نمونه‌گیری که نمونه‌گیری هدفمند و منابع معتبرکه مرتبط با موضوع تربیت عقلانی کانت هستند و ما را برای رسیدن به استلزامات تربیتی یاری می‌رسانند.

تجزیه و تحلیل اطلاعات

روش‌های تحلیل به سه دسته تقسیم می‌شود. یکی از روش‌هایی که فیلسوفان تحلیلی زبان آن را انجام می‌دهند تحلیل به معنای جستجوی ارتباط میان مفاهیم مختلف وبازشناسی روابط وشبکه های مفهومی است (باقری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۳). روش تحلیل دراین پژوهش روش تحلیل محتوا با استفاده از نظام مقوله‌بندی قیاسی است. نظام مقوله‌بندی قیاسی این گونه است که با نظریه‌هایی که مستخرج شده و ارتباط با متن دارد تحلیل انجام می‌شود به عبارتی نخست رویکردی که در آن محقق در عین خلاصه کردن به سطحی از تفسیر دست می‌زند و در نهایت رویکردی که می‌کوشد ساختار حاکم بر متن را بیرون بکشد (مایرینگ،۲۰۱۴). مراحل تحلیل کیفی این است که در ابتدا طبقات خود را تعریف می‌کند و کار را با روش نظریه داده بنیاد ادامه داده و پس از پیدا کردن ارتباط مقولات با یکدیگر به بسط آن نظریه یا مدل دست می‌زند (مؤمنی راد و همکاران، ۱۳۹۲). دریک نتیجه گیری می‌توان بیان کرد که همهٔ رویکردهای تحلیل محتوا در پژوهش کیفی به طور مشابه از دیدگاه چندمرحله‌ای پیروی می‌کنند که شامل: پرسش‌های تحقیق، انتخاب نمونه برای تحلیل، مشخص کردن رویکرد تحلیل محتوا، تعیین رمزگذاری، اجرایی کردن فرایند رمزگزاری، تعیین اعتبار و پایایی و تحلیل نتایج حاصل از رمزگذاری است (ایمان ونوشادی، ۱۳۹۰).

ابزارگردآوری اطلاعات

ابزارگردآوری اطلاعات بر اساس هدف پژوهشگر و نوع سند، گردآوری اطلاعات متفاوت است. عمده‌ترین ابزاری که در این پژوهش استفاده شده است؛ اسناد چاپی معتبر و فیش است. در این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و تحلیل اسناد و فیش‌برداری از آثار فلسفی عقلانی کانت و شرح و تفسیرهای معتبر آثار به جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز برای رسیدن به اهداف پژوهش کوشش شده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

یافته‌ها

کانت به عنوان فیلسوف تربیتی، شناخته نشده است اما از آنجا که کانت فیلسوفی ژرف اندیش و اخلاقی است آراء او در زمینه‌ی تعلیم و تربیت از لحاظ مبانی هستی، معرفت، انسان و ارزش‌شناسی از اهمیت خاصی برخوردار است (ماهروزاده، ۱۳۹۲). درفلسفه‌ی او می‌توان عناصری را یافت که اساس کرامت انسان و ارزش ذاتی، او محسوب می‌شوند یکی از مهم‌ترین این عناصر عقلانیت یا همان خردورزی انسان است. از نظر کانت "خرد آدمی درده‌ای از شناخت خویش پرسش‌هایی سربار آدمی می‌شود که نمی‌تواند کنار زند زیرا این پرسش‌ها به وسیله‌ی طبیعت خرد در برابر خرد است و خرد، این پرسش‌ها را پاسخ نمی‌گوید زیرا این پرسش‌ها از سراسر توانش خرد آدمی فراتر می‌رود (کانت، ۹:۱۴۰۰)". با این سخنان کانت می‌خواهد بیان کند که عقل چه چیزی را می‌تواند بشناسد و چه چیزی را نمی‌تواند بشناسد و دایره‌ی خرد آدمی و مرزها چیست؟ در اندیشه‌ی کانت عقل، عالی‌ترین قوه‌ی نفس و تربیت عقلانی بالاترین مرحله‌ی شناخت محسوب می‌شود.

عناصر اصلی در هستی‌شناسی کانت تجربه، حس و عقل است. متعلقات حواس از طریق ارتباط آن با برخی از ادراکات حسی ما بر طبق تجربه انجام می‌گیرد و برای تعلق‌های عقل باید به شیوه‌ای پیشینی عمل کرد پس آگاهی ما چه مستقیم از طریق ادراک حسی و یا غیرمستقیم از طریق استنتاج‌هایی که به ادراک حسی پیوند زده می‌شوند به تجربه تعلق دارند. مفهوم وجود از نظر کانت حقیقت خارجی ندارد بلکه از مقولات دوازده‌گانه فاهمه است (کانت، ۱۳۹۴: ۵۰۶). در هستی‌شناسی کانت انسان موجودی خودآگاه، خردمند و متفکر است (تزکورت، ۱۱۷:۱۳۹۰).

در ارزش‌شناسی صاحب نظریه‌ی قضایای ترکیبی پیشینی است. از نظرکانت ارزش‌ها از سنخ مفاهیم حقیقی هستند یعنی ارزش‌ها مانند امور وپدیده‌های دیگر وجود واقعی دارند و ابزارهای کسب معرفت عقل، حس و شهود در دریافت ارزش‌ها سخن گفته که تربیت را شکل می‌دهد. اراده‌ی خیر نیز به عنوان ارزش نقش مهمی در سلامت روانی و تربیت اخلاقی متربی دارد. کانت ارزش ذاتی برای اخلاق قائل است؛ از طریق اخلاق مبانی دین را اثبات می‌کند و معتقد است تکلیف اخلاقی از طریق عقل مشخص می‌شود برای توجیه اخلاقی احکام عقل ابتدا از مفهوم اراده‌ی خیر و برای تبیین آن از مفهوم تکلیف و وظیفه کمک می‌گیرد (کانت، ۱۹۷۲: ۶۳). که اعمال انسان باید بر اساس تکلیف باشد (پاتون، ۱۹۳۵: ۴۷).

از آن جا که کانت در استدلال‌های تربیت عقلانی خود عقل عملی را به عنوان راهنمای اراده پذیرفته پس برای انتقال ارزش‌ها و تربیت با استفاده از اهداف، اصول و روش‌ها نظریاتی را مطرح کرده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

اهداف تربیت عقلانی

کانت معتقد است انسان به دلیل خصیصه‌ی خودبنیادی عقل، باید خود را نه تنها در حوزه‌ی عقل نظری، بلکه در حوزه‌ی عقل عملی یا مقنن[1] نیز متعلق به عالم معقول بداند، اهداف تربیت عقلانی وی، به کمال رساندن همه‌ی قوای انسان، پیشرفت مداوم آدمی و کمال انسانی، تبدیل انسان طبیعی به انسان اخلاقی و هدایت آدمی به سوی آزادی راستین است (ترکاشوند و دیگران، ۱۳۹۷). از نظر کانت شناسایی ما با حواس آغاز می شود و به فاهمه می‌رود و به عقل منتهی می‌شود. فاهمه قوه شناخت از طریق مفاهیم است که این عمل همان حکم کردن است و ذهنیات را به هم مربوط می‌کند و در واقع مقولات[2] را با شبه‌معقولات بیان می‌کند (کانت، ۱۴۰۰). کانت صاحب دیدگاه نظریه‌ی قضایای ترکیبی پیشینی است و از نظر او ارزش‌ها از سنخ مفاهیم حقیقی هستند پس اهداف تربیتی کانت:

جدول (۱). اهداف تربیت عقلانی کانت

اهداف تربیت عقلانی کانت		
شناخت هستی	شناخت مفاهیم حقیقی	سازمان بخشی ذهن
شناخت حسی	اراده خیر	شناخت مفاهیم
علیت	ارزش	پرورش حافظه
شناخت مقولات	کشف حقایق	شناخت واقعیت
	تربیت ذهن	

اصول تربیت عقلانی

تحقق اهداف تربیتی درگرو اعتنا و تکیه کردن بر اصول تربیتی است (باقری، ۱۳۹۵: ۷۶). کانت از آن جایی که انسان را نیازمند عقلانیت می‌داند در تربیت عقلانی آن پیوند عقل نظری و عقل عملی و تعلیم و تربیت را می‌توان یافت؛ بنابراین تمام فعل و انفعالات ذهنی که برای خردورزی لازم است و ابزار آن‌ها که ما را به حقایق درونی و بیرونی نزدیک می‌کند را

۱. قانون‌گذار

۲. کانت فهم را همان توانایی اندیشیدن واندیشیدن را همان توانایی ترکیب تصورها و در نتیجه تصدیق کردن می‌بینند؛ اما تصدیق کردن به واسطهٔ قضایای ترکیبی پیشین ذهن انجام می‌شود. کانت این مفهوم‌ها را مقولات نام می‌نهد و بر این عقیده است که اگر صورت انواع تصدیق را نشان دهد کارکردهای فهم می‌توانند جمعاً یافت شوند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

در اصول تربیتی خود لازم می‌داند و از آن‌جا که ذهن بر اساس حمل[1] بیرونی است این اصول تربیتی در افراد گوناگون بنا به تفاوت‌های فردی دارای قوت و ضعف است. پس اصول تربیتی کانت:

جدول (۲). اصول تربیت عقلانی کانت

اصول تربیت عقلانی کانت		
پرورش آزاد (هستی‌شناسی) خردورزی (هستی‌شناسی) شناخت معقولات (هستی‌شناسی) شناخت معقولات (هستی‌شناسی) (کانت، ۵۰۶:۱۳۹۴)	فاهمه (معرفت‌شناسی) انفعالات ذهنی (معرفت‌شناسی) خلاقیت (معرفت‌شناسی) (ارزش‌شناسی) (کانت، ۱۳۹۴: ۲۴۴)	قوانین ذاتی افعال نفسانی (ارزش‌شنا سی) کرامت (ارزش‌شناسی) وجود قضایای ترکیبی پیشینی (کانت، ۱۹۷۲: ۶۲)

روش های تربیتی

روش‌ها ما را در تحقق هدف یاری می‌رسانند و ناظر به اصول تربیتی هستند. در روش‌های عقلانی کانت که بنا به دیدگاه فلسفی – تربیتی او می‌باشد بهره‌گیری از توانایی فروتر ذهنی در مرتبه‌های بالاتر تربیت مشاهده می‌شود به این شکل که کانت توانایی ذهنی انسان را به قوه‌های دانی و فروتر (از قبیل حواس، حافظه، تخیل) و قوه‌های عالی و فراتر (از قبیل فهم و بصیرت و خرد) منقسم نمود و کاربرد قوه‌های نخست را برای پرورش جسمانی و فرهنگ و تأدیب و کاربردهای قوه‌های عالی را برای تربیت اخلاقی تجویز می‌کند و در تمام موارد تربیتی به ویژه تربیت اخلاقی مفاهیم پیشین عقلی، زمینه‌ساز تربیت می‌باشد. یکی از مهم‌ترین روش‌ها، روش تعوید یا عادت دادن است که کانت می‌گوید آدمی باید از سال‌های پایین خود را به پیروی از عقل عادت دهد و این‌جا مراد روش عقلانی محض است (کانت، ۱۴۰۰). از نظر کانت ابزارهای کسب معرفت می‌توانند بر اساس مکملیتی که با هم دارند با هم ترکیب شوند این ابزارها شامل؛ حس، عقل و شهود هستند که این روش تلفیق ابزارهای کسب معرفت است اما در روش ذهن و داده‌های خارجی، ذهن شبه‌معقولات را سازماندهی می‌کند و داده‌های خارجی را سازمان بخشی می‌کند. در روش ترکیب و تألیف ذهن در تحلیل خود به تألیف و ترکیب‌داده‌ها برای دستیابی به نتیجه اقدام می‌کند.

فاهمه در روش ارتباط ذهنیات و حکم کردن در واقع قوه‌ی شناخت از طریق مفاهیم است که این عمل همان حکم کردن است و ذهنیات را به هم وصل می‌کند در صورتی که فارغ از طبقه، وضع اقتصادی و اجتماعی به تربیت عقلانی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

می‌پردازد. در روش عقل عملی چگونه زیستن را می‌آموزیم و این که درعملکرد خود چه باید کرد را یاد می‌گیریم در روش‌هایی که بر مبانی فعل و انفعالات ذهنی است ذهن در برخورد با مسائل ایستا نیست بلکه فعال است و از آزمایش و خطا و یا مشابه‌سازی برای رسیدن به تفسیر مفاهیم استفاده می‌کند و در روشی مانند استفاده از اندوخته‌های پیشین و پیش‌داوری این پیش فرض‌های ذهنی هستند که کمک به داوری و قضاوت خواهند کرد (کانت، ۱۴۰۰: ۱۰). به طور کلی استفاده از روش‌های تربیت عقلی باعث رشد تدریجی عقل می‌شود و در رسیدن به بلوغ عقلی کمک می‌کند[1]. البته مشترکات و اختلافات هر فردی باعث می‌شود که متناسب با ادراک عقلانی هر کس تربیت نیز مسیر خود را طی کند.

جدول (۳). روش تربیت عقلانی

روش تربیت عقلانی کانت		
روش تأدیب	ترکیب و تألیف	مشابه‌سازی
روش تعوید (عادت دادن)	فاهمه	قضاوت
روش تلفیق ابزار کسب معرفت	ارتباط ذهنیات و حکم کردن	فعل و انفعالات ذهن
ذهن و داده‌های خارجی	آزمایش و خطا	

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی بنیان‌های دیدگاه فلسفی تربیت عقلانی کانت و استلزامات عملکردی آن بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که برای رسیدن به تربیت عقلانی کانت استفاده از دیدگاه‌های فلسفی و تربیتی کانت و استلزامات عملکردی آن لازم است. با توجه به این‌که در پژوهش‌های انجام شده مؤلفه‌های گوناگون ولی محدود بررسی شده است و به طور جامع از هستی، انسان، معرفت و ارزش‌شناسی استفاده نشده است. اما در پژوهش‌هایی مانند؛ سعیدی (۱۳۹۸)، ماهروزاده (۱۳۹۲)، غفاری (۱۳۹۲)، توکل و مدبر (۱۴۰۱) درآراء تربیتی کانت به دنبال قوه‌ی عقل عملی هستند که متعلق به حوزه‌ی اخلاق است و به مؤلفه‌ی تربیت اخلاقی می‌پردازند از آن جایی که به یک مؤلفه‌ی تربیتی می‌پردازند همسو با پژوهش کنونی هستند. کانت در تعریف خرد ذکر می‌کند که: "خرد همواره با آغازهایی شروع می‌کند، همواره بالاتر به سمت شرط‌های دورتر می‌رود ولی متوجه می‌شود که به این شیوه کارش ناسرانجام می‌ماند؛ چون پرسش‌ها قطع نمی‌شود آنگاه خود را ملزم می‌داند که به آغازهایی پناه برد تا به آغازهای تجربه می‌رود، طراق می‌گذارد (کانت، ۱۴۰۰: ۹) ". به عبارتی؛ عقل می‌پرسد هر دلیل بر چه دلیلی استوار است تا به علت نخستین برسد و کانت دستگاه شناختی ما را به سه قسمت؛ ۱ - حس ۲- فاهمه ۳- عقل، تقسیم می‌کند و البته با حس و فاهمه، شناخت ما کامل نمی‌شود و نیاز به عقل

1. Lenczewska, O.2021.From the journal kant year book

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

است و خود عقل با سه ایده؛ انسان، خدا، جهان پرسش‌های وقفه‌ناپذیر خود را پایان می‌دهد و این مفهوم عقلی محض است و تجربه ناشدنی است. (کانت، ۱۴۰۰: ۱۲).

پس این پژوهش با توجه به این‌که به کامل کننده دستگاه شناختی از نظر کانت یعنی عقل و تربیت متمرکز شده است با یافته های استیکر و با ترست (۲۰۲۱)، ماهروزاده (۱۳۹۴)، روحانی راوری و طالب‌زاده (۱۳۹۰)، گویر و وود[1](۲۰۲۲)، ملیحی (۱۳۹۲)، هم‌خوانی دارد.

در تبیین دیگر یافته‌های تحقیق، با توجه به این‌که کانت در دسته خردگرایان کلاسیک، مبنا را در رسیدن به کمال و دست‌یابی به اخلاق می‌داند. پس متناسب با این مسیر ما را به ابزارهای گوناگون معرفت رهنمون می‌سازد. در نهایت بعد از بازیابی مبانی فلسفی – تربیت عقلانی کانت می‌توان به پاسخ این دو پرسش پرداخت؛ که بنیان‌های فلسفی – تربیت عقلانی کانت چه بود؟ روش، اصول و اهداف تربیت عقلانی چیست؟ در جهان امروز استفاده از بنیادهای فلسفی – تربیت عقلانی کانت که دانش نظری است برای رسیدن به عقل عملی و پرورش ابعاد آن و کاربردی کردن دانش نظری آموخته شده استفاده کاربردی دارد. اندیشه ورزی و ترکیب با تجربه‌گرایی باعث رستگاری فردی است. در این مسیر تعلیم و تربیت باید مقدمات انتقال تدریجی دانش‌آموزان را از حیات طبیعی محض به حیات عقلانی را فراهم آورد و با توجه به الگوی تربیت عقلانی کانت (اهداف، اصول و روش) باعث قانون‌مدار شدن فرد و جامعه شود و احترام به حقوق دیگران را در اجتماع سبب شود. در این مسیر متربیان باید از هرگونه افراط‌وتفریط به دور باشند و مبنای پرورش عقل عملی را ارزش ذاتی حقیقت، اعتدال و قانون را ملاک ارزیابی اعمال قرار دهند؛ و بر مبنای هستی‌شناسی روش‌های تربیتی تجربی، حسی و عقلی کاربرد دارد و بر پایه معرفت روش‌ها برای پاسخ پرسش‌های چه چیز را می‌توان دانست؟ چه باید کرد؟ چه امید و انتظاری می‌توان داشت؟ انسان چیست؟ می‌باشد و به نحو خلاق از روش ترکیب و تألیف می‌توان استفاده کرد و بنیان ارزش‌شناسی تکلیف اخلاقی است که منشأ آن عقل است و در عمل شناخت ارزش‌ها ذهن انسان منفعل نیست و می‌تواند از روش‌هایی مانند؛ تفسیر، حذف و اضافه، مشابه‌سازی، پیش‌فرض‌ها و اندوخته‌های پیشین استفاده کند و همهٔ مؤلفه‌های بالا بر پایه رویکرد پراگماتیکی کانت مبتنی است.

یادگیری و به‌ویژه تثبیت یادگیری و جایگزین کردن پارامترهایی که باعث جبران کمبودهایی در یادگیری شود و در حل مسائل به‌صورت سریع‌تر و با اطمینان از مسیر درست برای رسیدن به هدف و مقصد عمل کند حائز اهمیت است این پژوهش، با توجه به تأثیر آن در مسائل دانشگاهی به‌ویژه فلسفه تعلیم و تربیت و استفاده از مبانی فلسفی – تربیت عقلانی کانت و استخراج استلزامات تربیتی کارایی ویژه‌ای داد و می‌تواند به‌صورت یک مرجعی کوچک برای حل مسائل تربیتی به شمار آید و به کاربردی شدن نتایج پژوهش در مسائل اجتماعی کمک کند.

1. Guyer,P.,& wood,A.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

کانت چه انتظاری از انسان دارد؟

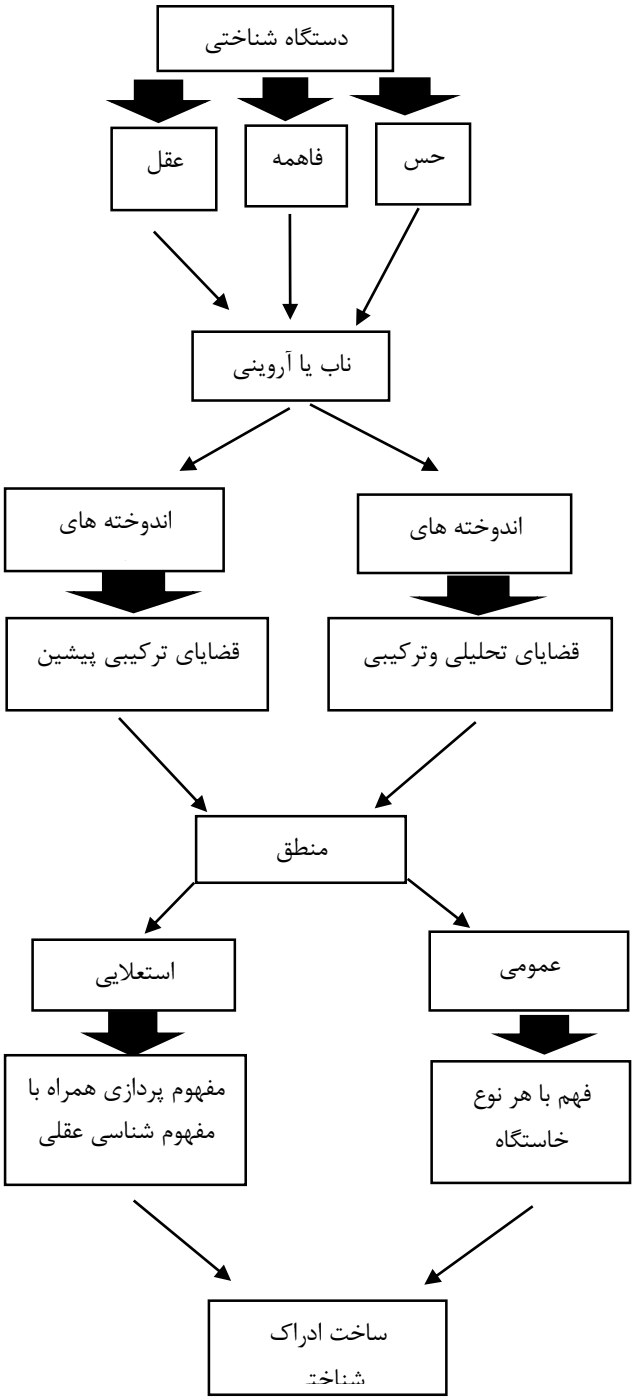

شکل ۱: الگوی مفهومی فلسفی – تربیتی کانت

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

انتظار دارد که انسان برای ساخت ادراکات شناختی خود از حس، فاهمه و عقل استفاده کند چه به‌صورت ناب (ذاتی) و یا به‌صورت آروینی (تجربی) که می‌توانند هم به‌صورت اندوخته‌های پیشینی وهم اندوخته‌های پسینی منقسم شوند و به شکل گزاره‌های تحلیلی، ترکیبی و ترکیبی پیشینی درآید و به شکل‌گیری منطق کمک کنند که منطق عمومی با هر نوع خاستگاهی است و منطق استعلایی که به مفهوم‌پردازی همراه با مفهوم شناسی عقلی است و درنهایت باعث ادراک شناختی می‌شود. به عبارتی مواضع کانت در ارتباط با دستگاه شناختی انسان از مقدماتی‌ترین که حس است تا مراحل بالا که به مفهوم‌پردازی عقلی می‌پردازد دارای گام‌های منظم است و در تلاش برای شکل‌گیری صحیح اندوخته‌های ذهنی به هر شکل چه پیشینی و چه پسینی و در تربیت عقلانی و درزمینهٔ پایه‌گذاری روش تربیتی منسجم[1] عمل می‌کند و بنابراین از گام نخست؛ چه چیز را می‌توان دانست؟ چه باید کرد؟ چه امید و انتظاری می‌توان داشت؟ را با توجه به اینکه انسان چیست برای اعتلا موجودات متفکر در فرا گرد تجزیه‌وتحلیل الگوی خود در نظر دارد؛ اما پیشنهادی که می‌تواند در اینجا وجود داشته باشد این است که اندوخته‌های پیشین را می‌توان بر اساس به سن، فرهنگ، پذیرندگی درگروه سنی، اکتسابی یا ذاتی و غیره دسته‌بندی کرد با مسائل تربیتی آمیخته کرد تا زمینه بهره‌مندی از نظریات کانت بیشتر فراهم گردد.

۱- انسجام در لغت‌نامه دهخدا: روان شدن آب و اشک، روانی و انتظام در کلام

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مدل پیشنهادی

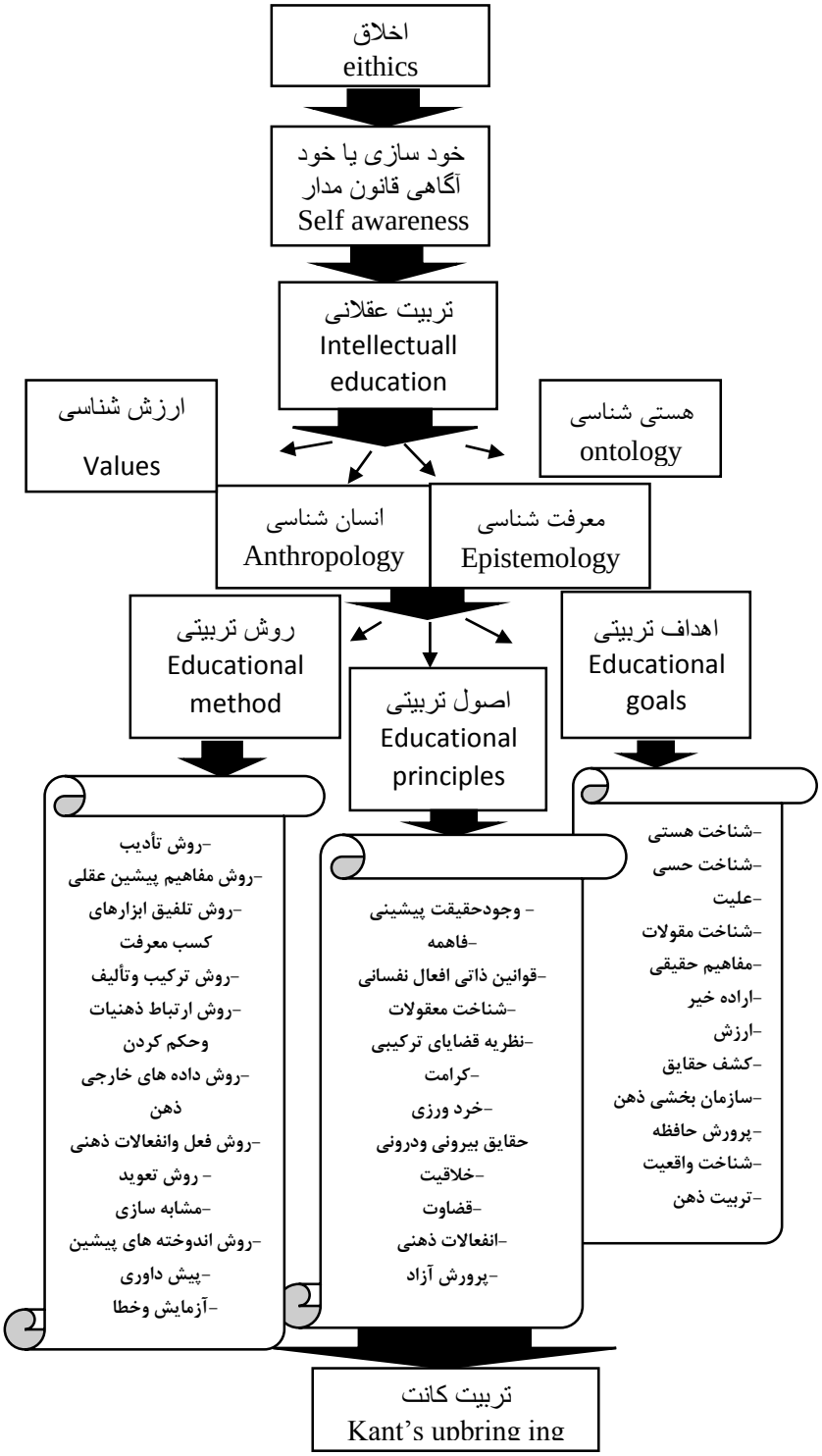

شکل ۲: الگوی پیشنهادی تربیت عقلانی و استلزامات عملکردی آن

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

منابع و مآخذ

Abdulabadi, A. (2011). Alook at the place of transcendental concept in kant's theoretical philosophy.*Tabriz University*.53(216):82-88.

Aziz Vakili, N., Monfared, M., & Fazelis, A. (2022).The possibility and nontruth of aprioricomposite propositions in kant's ideal of pure reason based on sadra'swisdom. *New in tellectual research.* 7(14):9-28.

Babapour, so., & shahnazari, J. (2014). Acomparative study of the compatibility of mind and object in the epistemology of mullasadra and kant. *specialized quarterly of philosophy*. (8):134-110.

Bagheri, Khosrow.,Sajjadieh,Narges ., & Tusli,Taiba.(2014). Research approaches and methods in the philosophy of education. Tehran: Research instatute of cultural and social studies.[Persian]

Bayer,T. (2010). The idea of human dignity, problems and contradictions (SH. Awani,Trans). *Philosophy lessonsDr karim Mojtahedi's celebratory letter, 117.*

Beheshti, S., & Nikoyi, R. (2010). An analysis and criticism of kant's educational philosophy with an emphasis on moral theory. *Ahvaz University: Educational sciences and psychology*.15(3):27-50.

Cambridge University Press.

Ghafari, Hossein. (2014). Acritical and adaptive review of kant's theoretical philosophy. (pp.35-307). Hakmat. [Persian]

Guyer, P., & wood, A. (2022).critique of pure Reason. (pp.238-241).Cambridge University Press.

IMan, M.I., & Noshadi, M.R. (2019). Qualitative analysis. *Research*. 3(6): 15- 44.

Kant, I. (1993). Critique of pure resone. (N.kempsmith mcmilian, Trans). (pp.770-775).

Kant, Immanuel. (2011).The measure of pure wisdom. (M.sh. Adibsoltani,Trans). (pp.9-145. A50-B74). Tehran:Amirkabir. [Persian]

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

Kant, Immanuel. (2015).criticism of pure reason. (B. Nazari, Trans). Tehran: phoenix. [Persian]

Kant, Immanuel. (2021). Measuring the pure wisdom. (M.sh.Adibsoltani, Trans). Mind Quarterly. [Persian]

Kant, Immanuel. (2021).criticism of pure reason. (B. Nazari, Trans). phoenix. [Persian]

Kant, Immanuel. (2022). Anthropology from a practical point of view. (A. Folady,Trans). contemporary view book. p.18.[Persian]

Karl, Jaspers. (2011). Kant. (A.Naghibzadeh, Trans). Tahuri library. [Persian]

Lenczewska, O. (2021). Kant on the Normative features of pluralistic thinking. *Cambridge* U*niversity press*. 13(1): 107-128.

Mahini, F., yousefi, A., Golestani, S.H., & keshtiAra, N. (2017).The implications of moral education of semantics (should) from the perspective of kant and legal theologians. *Research in curriculum planning*. 2(21):93-105.

Mahrozadeh,Tayyaba. (2014). Kant's educational philosophy and its foundations. (pp.166-198). Wisdom and philosophy Research Institute. [Persian]

Malihi, Q. (2012, December1). Immanuel kant's educational ideas. Isfahan:khorasgan university. http://ghm 49.blogfa.com.

Malihi, Q. (2012, December1). Immanuel kant's educational ideas. Isfahan:khorasgan university. http://ghm 49.blogfa.com.

Mohammad Rezaei, M., & MohammadRezaei, M. (2016). Examining Kant's duty-oriented ethical philosophy in the organization and comparing it with the organization's global ethical charter. *Research Organizational culture management*. 13(2):537-557.

Momeni Rad, A., Ali Abadi, K., Fardanesh, H., & Mozini, N. (2014). Qualitative analysis and content in the purohesh ritual: nature, stages and validity of the results. *Educational neasurement quarterly*.4(14): 187-222.

Paton, H.J. (1953). The categorical Imperative Astudy in kant's moral philosophy. (p.47). London.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

Rohani Rawori, M., & Talibzadeh, H. (2012). Anthrophology in kant's thought. *Isfahan University: Human sciences Metaphysical Research*. 3(11,12):13-88.

Saeedi, z. (2020). The INDEX AND MEASURE OF RATIONALITY IN KANT'S THOUGHT. The second international *Peace Research* Conference (vol. 2, p.13).

Skowronski, k., & Samipihls, T.(Eds). (2019). pragmatism, kant and Kantianism in the twenty-first century. (pp. 327- x). Associazion pragma. Doi:https://doi.org/10.4000/ejpap.1790.

Sticker, M., & Bakhurst, D. (2021). Kant on education and improvement; thems and problems. philosophy of Education.(pp.909-920). http://doi.org/10.111/1464-9752.12631

Tawakkwl, M., & Modbar, M. H. (2023). Examining shahid Motahari's critical view of kant's foundations regarding the relation ship between faith and moral action. *Moral Knowledge*. 13 (1):7 -20.

Turkashwand, N., Ghaffari, kh., Faghihi, A., &Natyghi, F. (2019). A comparative study of the goals and principles of rational educatin in the thought of Allameh Jafari and kant. *Islam and educational studies*.10 (20): 69-86.

Wilson Holly, L. (1957). Kant's pragmatic an thropology: its origin, meaning, and critical significance.(pp.xiv-165). New york University Press.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

Explaining the foundations of kant's philosophical view of rational education and its functional requirements

Elham Samadi[1], Hasan Ali Bakhtiar Nasrabadi[*2], Zohra Saadatman[3]

Abstract

The aim of the research is to examine the foundations of Kant's philosophical view of rational education and its functional requirements in the field of goals, principlesIt was the methods of teaching and training. The present research method was qualitative and content analysis type. The analysis steps were as followsHe had defined existence, knowledge, value and anthropology and started the work by using the data theory of Kant's educational foundation.And after finding the relationship between categories, he began to develop a rational model. Determining the population to be studied and the sampling method,that targeted sampling and reliable sources that were related to the subject of rational education help us to achieve educational requirementsThey were helpful. Based on the type of document and purpose, authentic printed documents and slips were used as tools for collecting information. in order toThe analysis of the research data was the content analysis

method using the analogical categorization system. In the comparative categorization system of viewsPhilosophical-educational concepts were extracted and their relationship with reason was used with analysis. The research results showed that the ultimate goalKant's upbringing was law-based to achieve morality, self-improvement and self-awareness, which is supported by the fundamental component of reason.In general, it can be concluded that the previous intellectual theorems play a significant role in Kant's educational system, which ultimately leads toThe proposed model for intellectual education and its functional requirements have been discussed.

Keywords: philosophical foundations, educational foundations, Kant's rationality, educational requirements.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

*This article is taken from adoctoral thesis of the first author of the article

1. PhD student, Department of Education Science, Isfahan (Korasgan) Branch, Islamic Azad university, Isfahan, Iran.
2. Full professor, Department of Education science, Isfahan Branch, Isfahan university, Iran (responsible author).
3. Associate, Department of Education since, Isfahan(Korasgan)Branch ,Islamic Azad university, Isfahan, Iran.